

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نردی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۱۰۲ - سه شنبه ۹۲/۳/۷

اشکال محقق عراقی بر کلام شیخ انصاری رحمته الله

ایشان معتقد است که کلام شیخ انصاری رحمته الله مبنی بر عدم جریان اصل مؤمن در إناء مفقود، صحیح نیست؛ زیرا نکته‌ی عدم جریان اصل در إناء مفقود به نظر شیخ رحمته الله آن بود که إناء مفقود خارج از ابتلاء است و از نظر علمی، مکلف با آن درگیری ندارد و لذا جریان اصل در آن بی‌معناست؛ به دلیل آنکه جریان اصل برای رفع مشکل در مقام عمل است و فرض آن است که ابتلای عملی وجود ندارد. و لکن این سخن شیخ ناتمام است؛ زیرا مکلف عملاً گرفتار إناء مفقود است. در حقیقت اگر إناء مفقود پاک بوده است ملاقی آن نیز پاک است و اگر إناء مفقود پاک نبوده است ملاقی آن نیز پاک نمی‌باشد. در هر حال مکلف از حیث ابتلای به ملاقی، به نوعی با خود إناء درگیر شده است. با ذکر نمونه‌ی دیگری حقیقت این مسئله روشن می‌شود:

فرض کنید مکلفی در حال غفلت، پارچه‌ای را با آبی تطهیر می‌کند و پارچه نیز خشک می‌شود و بعد از فقدان آب، مکلف نسبت به طهارت آن در آن زمان شک می‌کند، آیا اکنون لباس محکوم به طهارت است؟ روشن است که آب مغسول^۱ به اگر دارای سابقه‌ی طهارت باشد استصحاب طهارت جاری است و اگر حالت سابقه نداشته باشد با قاعده‌ی طهارت محکوم به طهارت می‌شود، در نتیجه لباسی که در آن شسته شده است محکوم به طهارت است و لهذا می‌گوییم آب ظاهراً پاک بوده و پارچه نیز وجداناً با آب تطهیر شده است، پس این پارچه پاک است.

ما نحن فيه نیز مانند مثال مذکور است؛ یعنی هر چند إناء «الف» مفقود شده است و مستقیماً مورد ابتلاء

۱. نهاية الأفكار، ج ۳، ص ۳۶۲.

نیست اما ملاقی با آن نزد مکلف است و به اعتبار ملاقی می‌توانیم در مفقود، قاعده‌ی طهارت را جاری سازیم و در نتیجه دو اصل طهارت در «الف» و «ب» ساقط می‌شوند و اصل مسببی در ملاقی بدون معارض جاری خواهد بود و اجتناب از آن لازم نیست و کلام شیخ رحمته‌الله ناتمام است.

دفاع بعض معاصرین از کلام شیخ انصاری رحمته‌الله

بعض معاصرین دو اشکال بر کلام محقق عراقی رحمته‌الله به نفع شیخ انصاری رحمته‌الله مطرح کرده است که یک اشکال، مطلق است و شامل هر اصل مؤمنی می‌شود و اشکال دیگر مربوط به خصوص قاعده‌ی طهارت است.^۱

اشکال اول

در إناء مفقود اصل مؤمن جاری نمی‌شود؛ زیرا همان‌گونه که قبلاً بیان شده است علت عدم جریان اصول در اطراف علم اجمالی، آن است که اجرای آنها مستلزم ترخیص در معصیت است و إلا اگر جریان اصول در تمام اطراف، ملازم با ترخیص در معصیت نبود مانعی از اجرای آنها نمی‌باشد و مخالفت علمیه نیز مانع جریان اصول در تمام اطراف نیست. بنابراین زمانی اصول مؤمنه در اطراف جاری نیست که معلوم بالاجمال تکلیف الزامی باشد؛ یعنی حرمت یا وجوب باشد، و إلا اگر معلوم بالاجمال حکم وضعی باشد مانعی از جریان اصول مؤمنه در تمام اطراف نیست.

با دانستن این قاعده می‌گوییم در ما نحن فیه آنچه معلوم بالاجمال است نجاست «الف» و «ب» است و نجاست یک حکم وضعی است. اگر حکم وضعی موضوع حکم تکلیفی قرار نگیرد حتی اگر معلوم بالاجمال باشد می‌توان در تمام اطراف آن، اصل مؤمن جاری ساخت.

طبق فرض شیخ انصاری رحمته‌الله طرف علم اجمالی اصلی، یعنی إناء «الف» (ملاقی) مفقود شده و از ابتلاء خارج گردیده است، در نتیجه هیچ حکم تکلیفی الزامی نسبت به آن وجود ندارد؛ زیرا مفقود است. بنابراین اگر اصل طهارت بتواند در آن جاری شود مشکل در جریان آن وجود ندارد و با اصل إناء «ب» معارضه نمی‌کند؛ زیرا منجر به مخالفت عملیه نمی‌شود و در نهایت علم منجزی وجود ندارد جز علم اجمالی به نجاست ملاقی یا طرف موجود - إناء «ب» - به خاطر آنکه علم به تکلیف الزامی مردد بین طرفین است پس مانع جریان اصل در هر دو خواهد بود.

مقرر: سید حامد طاهری

۱. منتقى الأصول، ج ۵، ص ۱۷۲.